

مقایسه شخصیت سیاوش در شاهنامه با طومار نقالی شاهنامه

چکیده

شاهنامه فردوسی بهترین کتابی است که براساس روایت‌های ملی و شاهنامه منثور ابومنصوری سروده شده است. علاوه بر این کتاب، در بستر تاریخ ما، روایت‌های ملی دیگری نگاشته شده که بعضی از آن‌ها در قالب طومار نمایانده شده است. برخی از این طومارها ضمن اقتباس از شاهنامه فردوسی و دیگر روایت‌های ملی با مرام و اندیشه نقالان و ذوق مردم آمیختگی پیدا کرده و به صورت متفاوت به دست ما رسیده است. «طومار نقالی شاهنامه» از جمله این طومارهاست. با توجه به این که تاکنون کار مقایسه‌ای بین شاهنامه و طومار مذکور انجام نشده بود؛ در این پژوهش، شخصیت سیاوش در شاهنامه با شخصیت سیاوش در طومار نقالی شاهنامه مورد مقایسه و تحلیل قرار خواهد گرفت و وجوه افتراق و اشتراک آن‌ها بررسی شد. این پژوهش در یک نگاه کلی نشان می‌دهد که شخصیت سیاوش در طومار نقالی شاهنامه، با شخصیت سیاوش در شاهنامه فردوسی چهره‌ای بسیار نزدیک به هم دارند و اندک تفاوت‌های آن برمی‌گردد به میزان تأکید روایت و راویان به جنبه‌های از شخصیت سیاوش در طومار که گاه کم‌رنگ‌تر و گاه پررنگ‌تر از شاهنامه می‌کند. با توجه به مقایسه طومار نقالی شاهنامه با شاهنامه روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی بوده و با توجه به موضوع پژوهش و مقایسه متن‌ها روش تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت محتوایی انجام شده است.

اهداف پژوهش:

۱. تحلیل و مقایسه افتراق شخصیت سیاوش در شاهنامه با شخصیت سیاوش در طومار نقالی.
۲. تحلیل و مقایسه اشتراک شخصیت سیاوش در شاهنامه با شخصیت سیاوش در طومار نقالی.

سؤالات پژوهش:

۱. افتراق شخصیت سیاوش در شاهنامه با شخصیت سیاوش در طومار نقالی چگونه است؟
۲. اشتراک شخصیت سیاوش در شاهنامه با شخصیت سیاوش در طومار نقالی چگونه است؟

کلیدواژه‌ها: شاهنامه، سیاوش، طومار نقالی.

مقدمه

شاهنامه فردوسی از بزرگ‌ترین آثار حماسی جهان است. اگرچه بیش از هزار سال از سرایش شاهنامه گذشته است؛ اما این اثر بزرگ، ضمن نگاهداشت فرهنگ پُربار و تثبیت شکوهمندی ایران‌زمین، همیشه در حافظهٔ مردمانش باقی است و جریان دارد و این یعنی «شاهنامه به تمام معنا یک کتاب «مردمی» است» (ندوشن، ۱۳۹۴: ۷). «هیچ ایرانی به اندازهٔ فردوسی در سرنوشت ملت و کشور خویش تأثیر پایدار برجای ننهاده است» (ریاحی، ۱۳۹۷: ۱۵). «... فردوسی منادی عزت و شرف ملت ایران و شاهنامه معتبرترین و موثق‌ترین سند هویت تاریخی و ملی ایران است» (مرتضوی، ۱۳۷۲: نه). از مهم‌ترین بسترهای زیست شاهنامه در یاد و خاطرهٔ پارسی‌زبان‌ها، روایت داستان‌ها به شیوهٔ نقالی بوده است. نقالی‌های مکتوب «داستان‌های بلند عامیانه‌ای هستند که طی سنت نقالی و داستان‌گزاری از شکل شفاهی-با حفظ برخی ویژگی‌های زبان مردم-به شکل مکتوب درآمده‌اند» (دری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۷). «نقال» کسی است که این روایات را از حافظه یا منبعی مکتوب (طومار) و به نثر برای شنوندگان نقل کند» (آیدنلو، ۱۳۹۱: ۲۳). نقالان با بهره‌گیری از زبان و بیان مردمانه و در چارچوب نمایش ایرانی، رخدادهای منظومه‌های ادبی یا قصه‌های مردمانه را برای مخاطبان خویش بازآفرینی کرده‌اند (نعمت طاوسی، ۱۳۹۷: ۱۵۴). به مدد همین هنرمندان گمنام مردمی است که شاهنامه در میان عامه مردم آسان‌تر راه گشوده و در طی قرون منتشرشده است. طومارهای نقالی را می‌توان «نقالی‌های مکتوب» دانست (دری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۷). طومار نقالی شاهنامه، منبع دیگری است که در این مقاله در کنار شاهنامهٔ فردوسی از آن بهره برده شده است. این طومار قدیمی‌ترین متن موجود در زمینهٔ نقالی است که از دوران صفویه برجای‌مانده است. کاتب این نسخه شخصی به نام بدرالدین محمد سیاه‌پوش و تاریخ کتابت آن هم ۱۱۳۵ هجری قمری و دوران شاه سلطان حسین صفوی است. این طومار به دلیل حجم و قدمت متن آن یکی از منابع درخور توجه برای مطالعات حماسی است.

مفاد و مضمون یا مفهوم هر اثر هنری را محتوای آن می‌نامند. ... ترکیبی است از درون‌مایه و موضوع و شیوه هنری خاصی که زاده طبیعت هنرمند است (۱۰۹-۱۱۴: Shaw؛ میرصادقی، ۱۳۸۸: ۲۷۳). «قهرمانان و شخصیت‌های داستان کسانی هستند که با اعمال یا گفتار خود داستان را به وجود می‌آورند. به آنچه می‌کنند آکسیون یا عمل و به آنچه می‌گویند دیالوگ یا گفتار گفته می‌شود» (شمیسا، ۱۳۹۲: ۱۷۴-۱۷۳). در بررسی تطبیقی، سخن از تأثیر آثاری در یک‌زبان بر یکدیگر و بررسی وجوه اشتراک و افتراق آنان در موضوع یا موضوعاتی مشخص است.

سیاوش از محبوب‌ترین شخصیت‌های شاهنامه است. از شاه ایران گرفته تا پهلوانان و درباریان و مردم عادی، همه و همه و حتی بسیاری از دشمنان دیرینهٔ ایران نیز دوستش دارند. در این مقاله، شخصیت سیاوش، در طومار نقالی شاهنامه از حیث تبار، ویژگی‌های ظاهری، خردمندی، صلح‌جویی، پاک‌دامنی، هنرآوری، راستی و امانت‌داری، نامجویی، برخورداری از فر ایزدی، تربیت، پیش‌بینی، دوراندیشی و ... به صورت محتوایی مورد تحلیل و با شخصیت سیاوش در شاهنامهٔ فردوسی به منظور نمود وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها مورد مقایسه قرار گرفته است.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است لذا پژوهش حاضر بر آن است تا به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به بررسی دقیق این موضوع بپردازد.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که گفته شد طومارها روایت‌های مکتوب از نقالی هستند و اساس داستان بر متنی استوار است که روایت از آن نقل می‌شود. بدیهی است که روایت‌ها، وقایع و ترتیب و توالی آن‌ها و همچنین شخصیت‌های طومارها شباهت‌های فراوانی با اصل منبع داشته باشند؛ اما نقال‌ها اجرای زنده دارند و بسته به انگیزه، شرایط موجود، فضا و جو همان صحنه، فراموشی و ...، خواه‌وناخواه و گاه‌وبی‌گاه، در اصل روایت، آگاهانه یا ناآگاهانه دخل و تصرف‌هایی دارند؛ بنابراین، وجود اختلافات در طومارها با شاهنامه تا حدی اجتناب‌ناپذیر است. شخصیت سیاوش در هر دو منبع مورد مطالعه (شاهنامه فردوسی و طومار نقالی شاهنامه) شخصیتی برجسته و خاص است. ویژگی‌های شخصیتی سیاوش در خلال گفتار راویان و شخصیت‌های دیگر داستان و خود او و همچنین در تحلیل وقایع و حوادث، قابل‌برداشت است. می‌توان گفت پهلوانی است که مجموعه ویژگی‌های خوب را داراست. در هر دو منبع مورد مطالعه، سیاوش شخصیتی خردمند، پهلوان و چالاک، بسیار مؤدب، پاک، وفادار، باشرم و صلح‌جوست که از اتفاقات آینده آگاهی دارد و می‌تواند با اسبش صحبت کند. از کودکی در محضر بزرگ‌ترین و نام‌آورترین پهلوان شاهنامه، یعنی رستم ادب آموخته است. آن‌قدر خوش‌سرشت و باوقار است که دوست و دشمن به خویش اعتراف می‌کنند. او در هر دو جبهه ایران و توران محبوب است؛ اما علی‌رغم مشابَهت‌های قابل‌توجهی که سیاوش شاهنامه با سیاوش طومار دارد، تفاوت‌هایی هم دارد که ذیلاً به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

در شاهنامه، تبار مادری و پدری سیاوش معرفی شده‌اند؛ اما در طومار تبار مادری سیاوش معرفی نشده است. در شاهنامه به ویژگی‌های ظاهری سیاوش به صورت قابل‌توجهی پرداخته شده و حتی رخساره سیاوش از فرط زیبایی، جنبه کاریزماتیک به خود گرفته؛ اما در طومار، تنها در یک جمله، آن‌هم از زبان خود سیاوش درباره آن سخن رفته است. به نظر می‌رسد در طومار یادشده، زیبایی و قامت سیاوش، برای راوی به عنوان یک پیش‌فرض و ویژگی پذیرفته شده از سوی مخاطبان در نظر گرفته شده باشد.

سیاوش در شاهنامه دارای قد و قامتی برازنده و بر و بازویی پهلوانی است؛ اما در طومار شاهنامه، اشاره‌ای به قد و بالای سیاوش نشده است. در شاهنامه، مفهوم تربیت سیاوش، مفهومی گسترده‌تر و دربرگیرنده تمام توانمندی‌های رزمی، آداب بزم، سخن‌دانی و ویژگی‌های اخلاقی است؛ اما در طومار، تربیت در جنبه رزمی و جنگاوری آن محصور شده است. در مجموع، سیاوش شاهنامه نسبت به سیاوش طومار نقالی، به مکارم اخلاقی بیشتری آراسته است. سیاوش شاهنامه از «فرّ» برخوردار است اما در طومار نقالی شاهنامه، اشاره‌ای به برخورداری سیاوش از فرّ نشده است. سیاوش شاهنامه نامجوست و در پی «نام» است؛ یکی از انگیزه‌های او در پذیرش فرماندهی جنگ با افراسیاب، همین نامجویی است؛ اما سیاوش طومار، تنها انگیزه‌اش خلاصی از دسیسه‌های سودابه است. در مجموع، می‌توان گفت شخصیت سیاوش در

طومار نقالی شاهنامه، باتوجه به مشابهت‌های فراوان اخلاقی و رفتاری که در بالا برشمرده شد، به شخصیت سیاوش شاهنامه بسیار نزدیک است و تفاوت‌های موجود در طومار، چندان منجر به تغییر قابل توجه شخصیت وی نسبت به شاهنامه نشده است.

منابع

آیدنلو، سجاد. (۱۳۹۰). ویژگی‌های روایات و طومارهای نقالی. مجله بوستان ادب دانشگاه شیراز. دوره ۳، ش: ۱ (پیاپی ۷): ۲۸-۱.

بی‌نام. (۱۳۹۱). طومار نقالی شاهنامه، به مقدمه، ویرایش و توضیحات سجاد آیدنلو، تهران: به‌نگار. برتلس، یوگنی ادواردویچ. (۱۳۷۴). تاریخ ادبیات فارسی، ترجمه سیروس ایزدی، ج ۱، تهران: هیرمند. رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۱). فردوسی و هویت‌شناسی ایرانی، تهران: انتشارات طرح نو. ریاحی، محمدمین. (۱۳۹۷). فردوسی (زندگی، اندیشه و شعر او)، تهران: انتشارات سخن. درّی، نجمه؛ بحرینیان، زهرا و ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۷). «نقالی‌های مکتوب به‌عنوان یک ژانر ادبی در نثر فارسی». نشریه نثر پژوهی ادب فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان. ش: ۴۴: ۳۶-۱۷. شمیسا، سیروس. (۱۳۹۲). انواع ادبی، تهران: نشر میترا. فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶). شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی). صدری افشار، غلامحسین؛ حکمی، نسرین و حکمی، نسترن. (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی، دوجلدی، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.

مرتضوی، منوچهر. (۱۳۷۲). فردوسی و شاهنامه. چاپ چهارم، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. مسکوب، شاهرخ. (۱۳۸۶). سوگ سیاوش (در مرگ و رستاخیز)، چاپ هفتم، تهران: انتشارات خوارزمی. میرصادقی (ذوالقدر)، میمنت. (۱۳۸۸). واژه‌نامه هنر شاعری، چاپ سوم، تهران: نشر کتاب مهناز. اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۹۴). پهلوانان در شاهنامه، چاپ دهم، تهران: شرکت سهامی انتشار. نعمت‌طاوسی، مریم. (۱۳۹۷). «ساختار نمایشی طومارهای نقالی بر پایه نظریه سوریه مطالعه موردی: طومار نقالی سام نامه: دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه، شماره ۱۹: ۱۷۳-۱۵۳.